

پوهنځی کلاسیک

زده کونکي او لاسوند د پوهنځي د تعلیماتو د ادارې

لارښوونکي د پوهنځي د تعلیماتو د ادارې

د پوهنځي د تعلیماتو د ادارې د لارښوونکي

د پوهنځي د تعلیماتو د ادارې د لارښوونکي

د پوهنځي د تعلیماتو د ادارې د لارښوونکي

د پوهنځي د تعلیماتو د ادارې د لارښوونکي

پسا کلان شهر

مطالعات منطقه ای شهرها و مناطق

مترجم

نورگس خالصی مقدم



فصل اول: ترسیم مجدد زمین تاریخ فضای شهری

۱۵ ..... فصل دوم: دومین انقلاب شهری

۲۳ ..... شهرتینی نوین

۳۷ ..... فصل داتش و قدرت در سومر

**بخش اول: ترسیم مجدد زمین تاریخ فضای شهری**

۳۷ ..... فصل اول: اولویت بخشی به شهرها

۳۸ ..... بازگویی سرچشمه های شهرنشینی

۴۱ ..... ترتیب تعارف: شکار - گردآوری خوراکی - کشاورزی - روستاها - شهرها - ایالت ها

۴۳ ..... یک وارونگی محرک: اولویت بخشی به شهرها

۴۷ ..... آموختن از جریکو

۴۹ ..... آموختن از چتل هوپوک

۵۵ ..... چیز ملات و نوسنگی شهری

۵۹ ..... آموختن از تو اسیدیان

۶۰ ..... آموختن بیشتر از چتل هوپوک

۶۶ ..... فصل دوم: دومین انقلاب شهری

۷۰ ..... شهرتینی نوین

۸۰ ..... فصل داتش و قدرت در سومر



اور و شهرنشینی نوین ..... ۱۱۱

پیش‌روی با دور تند به سوی انقلاب شهری سوم ..... ۱۲۱

**فصل سوم: سومین انقلاب شهری: مدرنیته و سرمایه‌داری صنعتی شهری** ..... ۱۲۵

فضای شهری و توالی مدرنیته‌ها ..... ۱۲۶

ظهور کلان‌شهر صنعتی مدرن ..... ۱۳۲

تولید در منچستر ..... ۱۳۴

بازتولید در شیکاگو ..... ۱۴۲

**فصل چهارم: کلان‌شهر در بحران** ..... ۱۵۷

تمرین گسست: بحران شهری دهه ۱۹۶۰ ..... ۱۵۸

مانوئل کاستلز و مسئله شهری ..... ۱۶۴

«عدالت اجتماعی» و شهر دیوید هاروی ..... ۱۷۱

مروری کوتاه بر زمین‌تاریخ فضای شهری سرمایه‌داری ..... ۱۷۶

**فصل پنجم: درآمدی بر منظومه شهری لس‌آنجلس** ..... ۱۸۵

لس‌آنجلس - از فضا: چشم‌انداز پنجره من ..... ۱۸۷

تناوبی دائمی میان میدان دید و صرف نظر کردن از آن ..... ۱۹۰

۱۸۷۰-۱۹۰۰: پروتستان‌های سفیدپوست انگلوساکسون در لس‌آنجلس ..... ۱۹۲

۱۹۲۰-۱۹۰۰: دوره پس‌رونده - پیش‌رونده ..... ۱۹۶

۱۹۴۰-۱۹۲۰: خروشان از جنگ تا جنگ ..... ۱۹۹

۱۹۷۰-۱۹۴۰: انفجارهای اورنج کانتی بزرگ ..... ۲۰۲

بازبینی آینده: لس‌آنجلس در سال ۱۹۶۵ ..... ۲۰۷

۱۹۷۰ و سال‌های پس از آن: شهرنشینی نوین ..... ۲۱۳

**بخش دوم: شش گفتمان درباره پساکلان‌شهر**

پیش‌درآمد ..... ۲۲۱

دیالوگ‌های مرزی: مرور گفتمان‌های پساکلان‌شهر ..... ۲۲۱

مفهوم‌پردازی فرایندهای نوین شهرنشینی ..... ۲۲۳

بستریابی گفتمان‌ها ..... ۲۳۱

**فصل ششم: کلان‌شهر صنعتی پساوردیستی: بازسازی اقتصاد ژئوپلیتیک شهری** ..... ۲۳۵

متون معرف ..... ۲۳۵

گذرگاه‌هایی به جهان‌های شهری تولید ..... ۲۳۶

آنانومی جغرافیایی شهرنشینی صنعتی ..... ۲۳۷

تولید - کار - قلمرو: اصلاح تقسیم کار ..... ۲۴۰

تولید مواد: علیه جامعه‌شناسی پسا صنعتی ..... ۲۴۶

عبور از تقسیمات صنعتی ..... ۲۴۹

پسا - فورد - یسم ..... ۲۵۳

تقویت انعطاف‌پذیری ..... ۲۵۵

کسب آمادگی و جدیت: افزایش نابرابری ..... ۲۵۸

در درون جهان منطقه‌ای: کشف دوباره سینکسیم ..... ۲۶۱

بومی کردن شهرنشینی صنعتی ..... ۲۶۸

نقشه‌نگاری‌های صنعتی پسا فوردیستی ..... ۲۶۹

دینامیک رشد مجموعه صنعتی ..... ۲۷۴

نتیجه‌گیری در قلمرو خط‌مشی عمومی ..... ۲۷۷

**فصل هفتم: جهان‌شهر: جهانی‌شدن فضای شهری** ..... ۲۷۹

متون معرف ..... ۲۷۹

بازآرایی گفتمان جهانی‌شدن ..... ۲۸۲

جهانی بودن تولید و تولید جهانی بودن ..... ۲۸۳

جهان‌های منطقه‌ای جهانی‌شدن ..... ۲۸۹

جغرافیاهای جدید قدرت ..... ۲۹۷

افزودن فرهنگ به اقتصاد ژئوپلیتیکی جهانی ..... ۳۰۵

بازسازی معنای اجتماعی در فضای جریان‌ها ..... ۳۱۰

نولیبرالیسم جهانی شده: یادداشتی مختصر ..... ۳۱۵

کلان‌شهر رها شده: مفهوم‌پردازی فضای شهری جهانی شده ..... ۳۱۷

فرضیه شهر جهانی ..... ۳۱۹

کنترل حواس ما: ظهور شهرهای جهانی ..... ۳۲۳

دوئالیسم شهری، شهر اطلاعاتی و فرایند شهری - منطقه‌ای ..... ۳۳۱

بازگشت به جهان‌شهر ..... ۳۳۴

**فصل هشتم: برون‌شهر: بازسازی فرم شهری** ..... ۳۳۹

متون معرف ..... ۳۳۹

کلان‌شهر دگرگون می‌شود ..... ۳۴۱

مگا شهرها و کهکشان‌های کلان‌شهری ..... ۳۴۲

شهرهای بیرونی، پسا حومه‌نشینی، و پایان دوره کلان‌شهری ..... ۳۴۶

سبکی طبیعی شهر و نوستالژی پسا کلان‌شهری ..... ۳۵۷

شبیه‌سازی شهرنشینی نوین ..... ۳۵۹

برون‌شهر به مثابه سنت ..... ۳۶۲



بازنمایی برون شهر در لس آنجلس ..... ۳۶۴

آغاز از مرکز شهر جدید ..... ۳۶۴

پژمردگی شهر داخلی ..... ۳۶۷

چشم انداز میانی ..... ۳۷۲

شهرهای خارج - از - مرز ..... ۳۷۵

**فصل نهم: شهر فراکتال: قطبش‌های شهری و موزاییک اجتماعی بازسازی شده** ..... ۳۸۱

متون معرف ..... ۳۸۱

تولید نابرابری در پساکلان شهر ..... ۳۸۴

عادی سازی نابرابری: زیاده‌روی‌ها در هر دو سو ..... ۳۸۶

اختلافاتی درباره موضوع علیت درون زاد ..... ۳۸۷

تشریح قطبش‌های شهری جامعه‌شناسی تجربی و پویایی بازار کار ..... ۳۹۳

فراسوی سیاست برابری ..... ۴۰۱

بازنگاشت شهر فراکتال لس آنجلس ..... ۴۰۶

نگاهی اجمالی به موزاییک قومی ..... ۴۰۸

جغرافیاهای تک قومیتی: تفکیک فضای شهری ..... ۴۱۸

جغرافیاهای چند فرهنگی: نگاشت تنوع ..... ۴۲۳

**فصل دهم: مجمع الجزایر حبس بنیاد: حکمرانی بر فضا در پساکلان شهر** ..... ۴۲۹

متون معرف ..... ۴۲۹

مفهوم پردازی مجمع الجزایر حبس بنیاد ..... ۴۳۱

لس آنجلس دژمانند و شعار ستیز اجتماعی ..... ۴۳۲

تخریب فضای عمومی و معماری شهری امنیتی ..... ۴۳۷

پلیسی کردن فضا: محکوم به حبس در لس آنجلس ..... ۴۴۲

ورود به شهر ممنوع: حبس مرکز شهر ..... ۴۴۶

انقلاب داخلی: HOA، CIDها، اجتماعات محصور، و سبک زندگی ایزوله ..... ۴۵۱

فراتر از سناریوی بلید راتر: بازسازی فضایی حکمرانی محلی ..... ۴۶۰

**فصل یازدهم: شبه شهرها: بازسازی تصور شهری** ..... ۴۶۵

متون معرف ..... ۴۶۵

تصور دوباره فضای شهر: سفرهایی در فراواقعیت ..... ۴۶۷

ژان بودریار و تقدم تصویر ..... ۴۶۹

سلیسته اولالکویاگا و ضعف روانی پسامدرن ..... ۴۷۵

فضای سایبری و نسل الکترونیک فراواقعیت ..... ۴۷۹

شبه شهرها، شبه شهروندان، و بحران برآمده از فراواقعیت ..... ۴۸۹

شبه امریکا: نقد پایانی ..... ۴۹۶

**بخش سوم: فضای زیسته: بازاندیشی درباره ۱۹۹۲ در لس آنجلس**

**پیش درآمد** ..... ۵۰۵

**فصل دوازدهم: لس آنجلس ۱۹۹۲: پیش درآمدی بر یک فرجام** ..... ۵۱۱

بازنگری‌ها ..... ۵۱۱

بدن‌ها، شهرها، متون: نمونه شهروند رادنی کینگ (نوشته باربارا هوپر) ..... ۵۱۶

دست نوشته‌ها ..... ۵۱۶

سوماتوگرافی: نظم در مکان ..... ۵۱۹

این حکم چه می‌توانسته باشد؟ ..... ۵۲۱

محاكمه: ما در برابر آن‌ها ..... ۵۲۹

**فصل سیزدهم: لس آنجلس ۱۹۹۲: فضاهای باز نمودی** ..... ۵۳۵

رخداد - جغرافیا - یادآوری ..... ۵۳۵

وجه متقابل مرئی: شهر داخلی در مقابل شهر بیرونی ..... ۵۳۷

محوطه‌های بهنجار شده: توسعه منافع مشترک ..... ۵۴۱

به یاد آوردن شورش‌های مرئی ..... ۵۴۶

پیکو یونیون و مفقودشدگان ..... ۵۵۸

پایانی تکراری ..... ۵۶۷

**فصل چهاردهم: پی‌نوشت: تأملات انتقادی درباره پساکلان شهر** ..... ۵۷۳

آغازهای نو ۱: کلان‌شهر در بحران ..... ۵۷۳

سقوط پسافورديسم ..... ۵۷۵

جهانی شدن مبالغه آمیز؟ ..... ۵۷۸

ناگهان همه جا «پومونا» است ..... ۵۸۰

بازپیمایی سنگرهای سفیدبوستان ..... ۵۸۲

وضعیت‌های و اساسی شده تنظیم ..... ۵۸۴

«شبه دولت» در بحران ..... ۵۸۶

آغازهای نو ۲: نزاع بر سر عدالت فضایی و دموکراسی منطقه‌ای ..... ۵۸۸

کتابنامه ..... ۶۰۳



در این مطالعه، به منظور بررسی نقش اقتصاد شهری در توسعه منطقه، ابتدا به بررسی وضعیت کلی منطقه پرداخته شد. سپس به بررسی وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه پرداخته شد. در ادامه، به بررسی وضعیت زیرساخت‌های منطقه پرداخته شد. در نهایت، به بررسی راهکارهای توسعه منطقه پرداخته شد.

### پیش گفتار

همچنان که وارد عصر جدید می‌شویم، درمی‌یابیم که زمینه مطالعات شهری هرگز تا این اندازه نیرومند نبوده است، از نظر تعداد حوزه‌های موضوعی و رشته‌های علمی موجود در مطالعه شهرها این وسعت را نداشته، ایده‌ها و رویکردهای جدید تا این حد در آن نفوذ نکرده، و تا این اندازه با رویدادهای سیاسی و اقتصادی در روزگار ما همخوانی نداشته، و از لحاظ نظری و روش‌شناختی این قدر آشفته نبوده است. در حقیقت، اکنون هم بهترین و هم بدترین زمان برای مطالعه شهرها است زیرا با وجود موضوعات نو و چالش‌برانگیز بسیار، اتفاق نظر درباره گذشته حتی کمتر است؛ درباره آینده دنیای نوین شهری چطور می‌تواند از نظر عملی و نظری بهتر قابل فهم باشد.

از زمان بحران‌های شهری در دهه ۱۹۶۰ تاکنون، تقریباً همه مناطق اصلی یا فرعی شهری تغییرات چشمگیری را تجربه کرده‌اند، تغییراتی که در برخی از موارد آن قدر قابل توجه بوده که آنچه را که سی سال پیش وجود داشته امروزه تقریباً غیرقابل تشخیص کرده است. محققان شهری با دنبال کردن پیشرفت‌های وسیع‌تر اقتصاد جهانی که برآیند فرایند بازسازی شهری<sup>۱</sup> بوده است، این تغییرات را توصیف کرده‌اند. تقریباً هر متخصص شهرشناسی این را پذیرفته که این فرایند بازسازی در سه دهه اخیر، گسترش و تراکم ویژه‌ای داشته است ولی این توافق در همین نقطه به پایان می‌رسد. در یک‌سو، کسانی هستند که ادعا می‌کنند تغییرات شهری تا آن اندازه عمیق بوده که همه چارچوب‌های سنتی تحلیل و تفسیر شهری تقریباً بی‌فایده شده‌اند. آن‌ها مدعی‌اند که الگوهای کاملاً نوینی برای

1. urban restructuring



درک چشم‌انداز از بنیاد تغییر یافته شهری لازم است. در سوی دیگر، بسیاری از محققان تاریخ بارها و بارها بر اولویت پیوند با گذشته تأکید کرده‌اند زیرا «آنچه بیشتر تغییر کند، بکرتر می‌ماند».<sup>۱</sup> از نظر آن‌ها شیوه ما در مطالعات شهری اساساً غلط نیست، بنابراین لازم نیست تغییری اساسی، صرفاً برای به روز رسانی داشته باشد. با اینکه سردرگم‌کننده است ولی باید بپذیریم که هر دو دیدگاه احتمالاً درست هستند.

به احتمال قریب به یقین، اکنون بسیار زود است برای اینکه با قطعیت نتیجه بگیریم که آنچه در قرن اخیر، قرن بیستم، بر شهرها گذشته، آغاز تحولی اساسی یا تنها حرکتی جزئی در زندگی شهری بوده است. با وجود این، با توجه به عنوان این کتاب، من موضعی را اتخاذ کرده‌ام که به شرایط مورد اولی نزدیک‌تر است. از نظر من، در آنچه ما به عنوان کلان‌شهر مدرن توصیف می‌کنیم، و نیز همین‌طور در شیوه درک، تجربه و مطالعه شهرها تحول مهمی رخ داده است. برای تمایز میان آنچه بیشترین تغییر را شاهد بوده و آنچه ثابت‌تر و متداوم‌تر باقی مانده، من واژه «پساکلان‌شهر» را عنوانی مناسب برای آنچه شهرنشینی نوین نامیده می‌شود، می‌دانم. معماران و طراحانی که اهداف محدودتری داشته‌اند، از این واژه استفاده نکرده‌اند. در نتیجه، نخستین تلاش در مطالعات شهرها و مناطق، و در زمینه کشف آنچه در شهرنشینی معاصر، جدید و متفاوت است، به‌شمار می‌رود.

از یک نظر، این کتاب را می‌توان به عنوان متنی مقدماتی در مطالعات اساسی کنونی در زمینه شهرها و مناطق خواند. حتی هنگامی که عمیقاً به بررسی گذشته دور می‌پردازم، چشم‌اندازی وجود دارد که از حال سرچشمه می‌گیرد و متأثر از شیوه‌های پیشرفته اخیر در درک فرایند شهرگرایی و تعبیر شهرنشینی به عنوان یک شیوه زندگی است. شیوه‌های مرسوم‌تر در مطالعه شهرها و دانش اندوخته ما درباره شهرها و زندگی شهری نادیده گرفته نمی‌شوند ولی بر این تداوم‌ها تأکید نخواهد شد یا مفصلاً بررسی نخواهند شد؛ زیرا متون دیگری هستند که این کار را بهتر انجام می‌دهند. بسیاری از رویکردهای نوین در مطالعه شهرها و مناطق، پیش درآمدی ارائه می‌کنند که همچون عنوان این کتاب، دارای پیشوند «پسا» هستند، تا نه به یک گسست کامل بلکه به ترک قابل توجه اقدامات مرسوم و سنت‌های متداول اشاره کنند. درحالی‌که ترجیح می‌دهم نام این کتاب را تنها به

1. plus c'a change, plus c' est la meme chose

به‌فراوان‌ترین و نامفهوم‌ترین مباحث مرتبط با این واژه‌های دارای پیشوند «پسا»، یعنی پسامدرنیسم، وابسته نکنم ولی واژه «پساکلان‌شهر» را می‌پذیرم، واژه‌ای که گمان می‌کنم در برگیرنده یک رویکرد پسامدرن انتقادی و موشکافانه به مطالعات شهری است و به‌جای تمرکز بر مسائل ثابت و تغییرنیافته گذشته بر چیزهای نو و متفاوت امروز تمرکز می‌کنم. بنابراین از نام کتاب می‌توان به‌جای «کلان‌شهر پسامدرن» استفاده کرد و تعبیری از آن داشت که برخی اکنون آن را شهرنشینی پسامدرن می‌نامند.

دیگر رویکردهای دارای پیشوند «پسا» در تفکر و تحلیل انتقادی که بیشتر زیر شاخه وسیع مطالعات فرهنگی گرد می‌آیند، در این متن تفسیری طبقه‌بندی شده‌اند: پسا‌ساختارگرایی، فمینیسم پسامدرن، نقدهای پسااستعماری، و تحلیل پسامارکسیستی. در همین حال، من نسبت به شکل‌های بدون پیشوند «پسا» در این رویکردها نیز آگاهم ولی نسبت به گذشته انتقادی‌تر برخورد می‌کنم؛ به‌ویژه درباره ساختارگرایی مدرن، و معرفت‌شناسی‌های مارکسیستی که باعث توسعه جغرافیای رادیکال و حوزه‌های ترکیبی اقتصاد سیاسی شهری، منطقه‌ای، و بین‌المللی شدند که روی هم رفته آن‌ها را اقتصاد ژئوپلیتیکی می‌نامم. در واقع، یکی از اهداف من در اینجا این است که هماهنگی مؤثرتری میان مطالعات فرهنگی انتقادی و اقتصاد ژئوپلیتیکی ایجاد کنم. دو حوزه در بررسی و شناسایی منطقی که در دهه ۱۹۹۰ تنها برای تفکیک دوباره ناهمسازی‌های به‌ظاهر غیرقابل اجزایه‌گردهم آمدند. اگر خواننده‌ای احساس می‌کند که این تلاش در جهت نزدیک‌تر کردن اقتصاد فرهنگی و سیاسی به یکدیگر با حمایت من از پسامدرنیسم انجام می‌گیرد، به وی توصیه می‌کنم که بخش‌هایی که در آن‌ها ایده من درباره پسامدرنیسم آشکارتر است را مطالعه نکند. امیدوارم که حتی بدبین‌ترین افراد نسبت به ضد پسامدرنیسم هم مباحث جالبی برای مطالعه بیابند.

اتخاذ این رویکرد گزینشی دارای اهمیت است. بی‌گمان این مطالعه برای افرادی که به شیوه‌های محدودتر و متمرکزتر در مطالعه شهرها و زندگی شهری می‌پردازند و همچنین افرادی که از تفاسیر محض پسامدرنیسم، بدون هرگونه تفکر نوگرا بهره می‌گیرند، خوشایند نیست، با وجود این، مکتب التقاطی من محدود به دو تأکید راهبردی می‌شود که تمرکز بیشتری به متن می‌دهد و امیدوارم آن را روشن‌تر سازد. نخستین نقطه مشترکی که با همه محققان انتقادی دارم، تعهد به ایجاد دانش نه صرفاً به‌خاطر خود دانش بلکه بیشتر، برای